

داستان پرودگاه قلعه مرغی (۵)

پرواز ممنوع

محمد بلوری /اواخر دهه ۳۰ هجوم دسته‌ای از کبوتران به یک هواپیمای نظامی، سبب سقوط هواپیمای شد و امنیت پروازها در آسمان تهران را فرمانداری نظامی برعهده گرفت و مقرر شد کبوتریارها در دادگاه نظامی محاکمه شوند و پرواز کبوتران را ممنوع اعلام کردند. استوار نایب را در منطقه قلعه مرغی مأمور مبارزه با کبوتربازی و قلع و قمع کبوترها کردند که ماجرای این مأموریت خودش را برایم در روزنامه کیهان، بخش گروه حوادث اینگونه تعریف کرد...

در قهوه‌خانه‌ای مردان آبادی به انتظار نشسته بودند تا از رادیو اعلامیه فرمانداری نظامی پخش شود و ابتدا از رادیو مارش نظامی را پخش کردند.

... چند لحظه بعد مارش نظامی قطع شد و صدای غمزده و غرای گوینده رادیو در فضای انباشت از دود قلیان و سیگار پیچیده و همه‌هم آدم‌ها فرو نشست.

- شونندگان گرمای توجه کنید. توجه کنید... این اعلامیه امروز در رابطه با ممنوعیت پرواز کبوتران در تهران از سوی فرمانداری نظامی پایتخت انتشار یافت. هموطنان عزیز، طبق اطلاع رسیده با کمال تأسف و تأثر سرگراهِ دیروز یک فروند هواپیمای نظامی، هنگام فرود در آسمان پایتخت با دسته‌ای از کبوتران برخورد کرد که سرنگون شد و سپس آتش گرفت. با کمال تأسف گزارش رسیده چند نفر از سرنشینان هواپیمای جان سپرده‌اند که مسببان این سانحه هوایی شناسایی و در دادگاه نظامی محاکمه خواهند شد. کبوترپرانی در آسمان پایتخت بخصوص حوالی فرودگاه‌ها، خطراتی برای پرواز هواپیمایها پیش آورد که با حوادث تلخ و ناگواری روبه رو شده‌ایم. بنابراین دادستانی نظامی تهران با صدور این اطلاعیه به آگاهی عموم می‌رساند از امروز خرید و فروش، نگهداری و پرواز کبوتران بخصوص در محدوده فرودگاه‌ها ممنوع بوده و متخلفان از این دستور نظامی تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند که به اتهام اقدام علیه امنیت پرواز هواپیمایها در دادگاه‌های نظامی محاکمه و به اشد مجازات محکوم خواهند شد.

«دادستان نظامی تهران- سرتیپ آرموده»

با پخش موزیک نظامی یکباره همه‌هم‌ای از میان مردان در فضای قهوه‌خانه پیچید و آنگاه صدای اعتراض از هر طرف برخاست. جوان لاغر اندام و لندوکي با زانوان لخت خالکوبی شده‌اش را روی سینه‌اش تاب داد، سینه به سینه استوار ایستاد و با صدای تودماغی و لحن جاهلی گفت: نایب، قریبوت، تکلیف ما چی میشه. کفترامون، چی به‌سر این زبون بسته‌ها می‌یاد؟ یعنی حکم قاچاق پیدا می‌کنن؟ کلاه مخملی سیاه چهره با سبیل‌های آویخته رو به استوار نایب گفت: استوار جون ما عشق‌بازیم نوکرتم، یاغی که نیستیم اسلحه برداریم با دولت بجنگیم که تو دادگاه نظامی به جرم راهزنی محاکمه‌مون کنند؟

مردی کت سیاهش را روی شانه‌های فرو افتاده‌اش در کشید و تو دماغی پرسید:

خان نایب قریبوت من دو تا کفتر پایی دارم که عشق من هستند. تکلیف این دو تا زبون بسته چی میشه؟ یعنی حکم قاچاق پیدا می‌کنن.

صدای اعتراض مردی از میان جمع بلند شد:

ما عشق‌باز هستیم قریبون ما عشق‌بازیم نوکرتم، اسلحه بر نداشتیم که با دولت بجنگیم.

ستوان نایب انگاری نشنید. حواسش به سبیل‌های نوک برگشته مردی بود که مثل دم غرَب روی لب‌هایش می‌جنبیدند. پرسید: پس این‌طور خان نایب. بگو کفترها حکم تریاک قاچاق پیدا کردن سرکار جون شنیدم از طرف جناب سروان رئیس پاسگاه، مأمور مبارزه با کفتر بازی تو قلعه مرغی شدی؟ حیف احترامی که مردم این منطقه برات می‌داشتن؟

مردها در سکوت و تعجب به استوار نایب نگاه کردند.

در پاسگاه ژاندارمری، گل‌های لاله‌عباسی باغچه زیرتابش داغ آفتاب مردند و انگار تور خورشید نیمروز در وسط طاق آسمان، روبه زمین دمر شده و آتش به کف آجرهای قراقی می‌پارید.

ژاندارم‌ها، در یک صف، رو به ایوان پاسگاه ایستاده بودند؛ با بی‌حالی زیر آفتاب سوزان این پا و آن پا می‌شدند و دانه‌های لِهیدِ عرق از روی پیشانی می‌لغزید.

رئیس پاسگاه از اتاقش که بیرون آمد، با دست‌های قلاب شده برپشت کمر با قدم‌های شمرده همچون که در تشییع جنازه پشت تابوت راه می‌رود. به پای نرده لب ایوان رسید به فرمان استوار نایب ژاندارم‌ها پا بر زمین کوبیدند و خبردار ایستادند. رئیس پاسگاه با چهره‌ای عبوس و قهرآمیز، نگاه تلخ و گزیده‌اش را روی صورت خیس و برافروخته ژاندارم‌ها گرداند، تک سرفه‌ای کرده فریاد نظامی‌اش در فضای حیاط پیچید.

شما‌ها خبر دارید که یک هواپیمای نظامی همین نزدیکی‌ها در برخورد کبوتر‌ها تو بیابان سقوط کرده و فرمانداری نظامی کبوتربازی را از امروز قذفن کرده، با این حساب داشتن حتی یک کبوتر در خانه جرم به حساب میاد. توپ رئیس‌جوان پر بود. کلمات مثل نارنجک‌هایی بودند که به بیرون پرتاب می‌شدند و در هوا روی سر ژاندارم‌ها می‌ترکیدند. ما که در یک منطقه کنار فرودگاه نظامی انجام وظیفه می‌کنیم مسئولیت خطیری بر دوش داریم. در این آبادی بدبختانه بیشتر ساکنان کبوتر نگهداری می‌کنند و ده‌ها کبوتر پران و عشق‌باز هستند که گنج‌های‌شان پر از کبوتر است و رقابت مسابقه کفترپرانی دارند. بنابراین دستور رسیده از امروز مبارزه‌ای می‌بان اما قلع و قمع و کشتار کبوتران شروع می‌شه دو شبانه‌روز به همه ساکنان محل مهلت داده میشه کبوتران‌شان را به پاسگاه بیارن و شخصا آنها را لب همین باغچه حیاط سرببرن. بعد هم به خط خودشان تعهدنامه‌ای بنویسند که با پیدا شدن حتی یک کبوتر در خانه یا محل کارشان هر مجازاتی را بپذیرند. **ادامه مطلب پنجشنبه هفته آینده**

برق جان کارگر ساختمان را گرفت

گروه حوادث/ تحقیقات برای رازگشایی از مرگ کارگر جوان که به خاطر برق گرفتگی هنگام کار جان خود را از دست داده بود به دستور بازپرس جنایی آغاز شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۲۲:۳۰ دقیقه سه‌شنبه ۴ خرداد مأموران کلانتری ۱۴۴ جوادیه در تماس با بازپرس کشیک قتل پایتخت از مرگ پسر جوانی خبر دادند. با اعلام این خبر تحقیقات به دستور بازپرس حبیب‌الله صادقی آغاز شد؛ در بررسی‌های اولیه مشخص شد پسر ۲۲ ساله کارگر ساختمانی بوده و عصر همان روز حین کار دچار برق گرفتگی شده و کارگران دیگر بلافاصله او را به بیمارستان منتقل کرده‌اند اما تلاش کادر درمان پس از ساعت‌ها بی‌نتیجه می‌ماند و پسر جوان تسلیم مرگ می‌شود. بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی و شناسایی خانواده پسر جوان و علت اصلی این حادثه را صادر کرد.

راننده تبهکار

دختر رزمی کار را تا یک قدمی مرگ کشاند

گروه حوادث/ جدال دختر رزمی

کار با مرد ضروری که قصد ربودن و تعرض به او را داشت، وی را ۷ روز به کما برد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر اردیبهشت مرد میانسالی که نگهبان یک شرکت در محدوده خیابان آزادی تهران بود، متوجه درگیری شدید بین یک زن و مرد شد که داخل خودروی پراید نشسته بودند.

مرد نگهبان با دیدن این صحنه برای مداخله نزدیک خودرو رفت اما ناگهان راننده زن جوان را از خودرو بیرون انداخت و با سرعت زیادی فرار کرد. وقتی مرد میانسال بالای سر دختر جوان رسید او زخمی و بی‌هوش بود بنابراین در تماس با اورژانس و پلیس موضوع را خبر داد.

با تماس نگهبان میانسال، دختر جوان به نام نوشین به بیمارستان منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت. اما او ۷ روز در کما بود و در نهایت با تلاش کادر

درمان، از کما بیرون آمد.

نوشین پس از بهبودی نسبی از حادثه تلخی که برایش رخ داده به پلیس چنین گفت: ساعت حدود ۸ شب بود که از محل کارم خارج شدم تا به خانه بروم. من در شرکتی خصوصی مشغول به کار هستم. آن روز به خاطر اینکه کارهای معوقه داشتم مجبور شدم که بیشتر در شرکت بمانم. زیرگذر آزادی به انتظار خودرو ایستاده بودم که پرایدی در مقابل پایم توقف کرد. داخل خودرو به او نگاه کردم و متوجه شدم که می‌توانم از اینکده سوار خودرو شدم.

■ **ربوده شدن برای جنایت سیاه**

دختر ۲۳ ساله ادامه داد: پس از طی مسافتی دو خانم از ماشین پیاده شدند و راننده به راه افتاد اما ناگهان تغییر مسیر داد و به سمت اتوبان لشگری رفت. وقتی راننده تغییر مسیر داد به او اعتراض کردم که گفت به خاطر

ترافیک است. اما از سرعت زیاد خودرو و مسیری که هیچ ارتباطی به مقصد من نداشت متوجه نیت شوم راننده شدم و به همین دلیل شروع به سرو صدا کردم و می‌خواستم در ماشین را باز کنم که ناگهان راننده چاقویی که به همراه داشت را در پهلوی من قرار داد. التماس می‌کردم که مرا رها کند، به او گفتم حاضرم طلاها و گوشی ام را بدهم و او اجازه بدهد که من از خودروی پراید بیرون افتاد پول بدهم. اما راننده بعد از گرفتن پول و طلاها و تلفن همراهم قصد تعرض به من را نیز داشت.

دختر جوان گفت: من کلاس‌های رزمی رفته بودم و به فنون رزمی آشنایی داشتم. جدال بین من و مرد جوان آغاز شد با پایم به شیشه ماشین می‌کوبیدم و ویژه سرقت تشکیل شد. بازپرس نیز دستور بازبینی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل حادثه و به دست آمدن هویت راننده شروع را صادر کرد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

پسر از قصاص پدر گذشت

پس از این شکایت، مأموران پلیس در نخستین تحقیقات دریافتند این زوج در خانه‌ای واقع در منطقه فلاح تهران زندگی می‌کنند و یک پسر نوجوان هم دارند. در بازجویی از پسر خانواده وی مدعی شد پدر و مادرش مدام با هم اختلاف داشته و آخرین بار هم دعوی سخنی باهم داشته‌اند.

بدین ترتیب بازجویی‌ها از مرد میانسال از سر گرفته شد و او این بار به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت که زنش را در خانه کشته و پس از تکه تکه کردن جسدش او را در بیابان‌های شهر بارافن کرده است.

با اعترافات متهم وی بازداشت شد و پرونده‌اش با صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران رفت. با شروع جلسه محاکمه نخست، پسر ۱۶ ساله مقتول در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من حاضر به قصاص پدرم نیستم و

رضایت می‌دهم. چون می‌دانم مادرم مقصر بود آنها همیشه با هم دعوا داشتند و مادرم کارهایی می‌کرد که به این درگیری‌ها دامن می‌زد. او خودش مقصر بود، کاری کرد تا پدرم عصبانی شود و او را بکشد.

این پسر نوجوان گفت: من کسی را ندارم. مادرم که مرده و پدرم هم در زندان است و خیلی زندگی سختی دارم البته خانه داریم اما نمی‌توانم تنها در آنجا زندگی کنم عمویم مرا پیش خودش برده است اما الان رضایت داده‌ام و از دادگاه تقاضا دارم پدرم را آزاد کنند تا به خانه برگردد و مراقب من باشد. سپس متهم در جایگاه ایستاد. وی در تشریح جزئیات زندگی‌اش گفت: من ۱۷ سال با همسرم زندگی کردم. از همان ابتدای زندگی با یکدیگر اختلاف داشتیم، وقتی پسرمان به دنیا آمد و ۲ ساله شد طلاق گرفتیم و من دوباره

قرص‌های انرژی‌زا و ... می‌کند.

رئیس پلیس فتا افزود: افسران سایبری این پلیس با بررسی‌های همه جانب پرونده و بهره‌گیری از روش‌های علمی و فنی موفق شدند مجرم را در فضای مجازی شناسایی کنند. با به دست آمدن اطلاعات هویتی متهم و پس از تشریفات قضایی، در نهایت مجرم در یکی از مناطق جنوبی تهران دستگیر و بیش از ۳۰۰ قلم داروهای غیر مجاز از محل اختفای وی کشف شد.

سرهنگ گودرزی گفت: متهم پس از انتقال به پلیس فتا به جرم ارتكابی معترف و پس از تکمیل پرونده در اختیار دادسرا قرار گرفت.

گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که پسر ۴ ساله توسط پزشکان آفریقای جنوبی و با استفاده از ضد سم‌های این مار بخصوص نجات یافته است. به گفته پزشکان مار درست زیر چشم راست را گاز گرفته و عضلات بلك و صورت پسر بچه را فلج کرده بود.

آن‌ها معتقدند که کودک خوش شانس بوده که از نیش مار نمرده است. مار کبری موزامبیکي مار سمی است که زهر خود را تا فاصله ۲،۲ متری پرتاب می‌کند و معمولاً چشم‌ها را هدف قرار می‌دهد.

پسر ۴ ساله هلندی که به همراه خانواده‌اش در سفر سافاری به آفریقا با نیش مار کبری گزیده شده همچنان فلج مانده است.

به نقل از میرر، دکتر ویلم رینکل بیان کرد که این پسر بچه بلافاصله تحت درمان قرار گرفت و به شکل معجزه‌آسایی از مرگ نجات یافت.

این درحالی است که پسر بچه دچار فلج شدید در ناحیه صورت شده و پزشکان نگران هستند این حالت دائمی باشد از این‌رو پسر ۴ ساله تحت تمرین‌های توانبخشی قرار دارد.

طوفان شبانه

۲ قربانی گرفت

گروه حوادث/ طوفان، رعد و برق و بارش شدید باران در برخی شهرهای کشور از جمله پایتخت خسارت‌های سنگینی به جا گذاشت.

■ **سقوط تیر چراغ برق در تهران**

حدود ساعت ۹ و نیم شب سه‌شنبه یک اصله درخت پوسیده در محدوده خیابان ابوذر میدان مقدم روی تیر چراغ برق سقوط کرد. این سقوط باعث شد که این تیر چراغ نیز سقوط کرده و روی سه دستگاه خودرو در محل فرود آید.

با اعلام این حادثه به پلیس، بلافاصله تیم گشتی منطقه ۱۷ پلیس راهور تهران بزرگ در محل حضور یافت و ضمن هماهنگی با مسئولان شهری مربوطه در محل حادثه اقدامات ایمن‌سازی محل صورت پذیرفت و با حرکات دست و راکت و استفاده از چراغ‌های هشدار دهنده

نسبت به اطلاع از وجود خطر به رانندگانی که در این مسیر در حال رانندگی بودند، اقدام کردند. از آنجا که خودروها کنار خیابان پارک بودند و سرنشینی نداشتند این حادثه آسیب جانی نداشت.

■ **رعد و برق در زنجان جان یک مرد را گرفت**

اصغر جعفری روحی، رئیس اورژانس زنجان گفت: شامگاه سه‌شنبه یک مرد ۵۲ ساله حین آبیاری در روستای نصیرآباد خرم‌دره دچار صاعقه‌زدگی شد. پس از رسیدن این مرد به درمانگاه، بلافاصله عملیات احیای قلبی و ریوی توسط پرسنل درمانگاه و پایگاه اورژانس صابین قلعه شروع شد اما فوت کرد.

■ **مرگ یک زن در طوفان**

محسن پارسا، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری ورامین از شکسته شدن درخت بر اثر طوفان و سقوط روی یک خانم و مرگ وی در منطقه اسفندآباد خبر داد. وی گفت: باد شدیدی که سه‌شنبه شب در ورامین می‌وزید باعث شکسته شدن یک درخت با قدمت حدود ۲۰ ساله شد که جان یک خانم ۳۶ ساله ورامینی را گرفت.

رهایی گروگان

با شلیک به متهم

گروه حوادث/ مرد شرور که با گروگان گرفتن یک موتور سوار در میدان اصلی شهر شیراز باعث ایجاد رعب و وحشت شده بود با شلیک مأموران پلیس زمین‌گیر شد. سرهنگ کاووس محمدی، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان فارس در تشریح این ماجرای گروگان‌گیری که روز سه‌شنبه در میدان ورودی شهر رخ داد گفت: با اعلام گزارش مردمی به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر مزاحمت یکی از اوباش با سلاح سرد

در میدان «الله» شیراز بلافاصله مأموران نیروی انتظامی به محل اعزام شدند. نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد که یکی از افراد شرور و اوباش با عریده‌کشی و تهدید سلاح سرد یک راکب موتورسوار را در میدان شهر گروگان گرفته و با چاقویی که در دست داشت مأموران را تهدید می‌کرد که اگر به او نزدیک شوند گروگان‌اش را می‌کشد. معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان فارس با بیان اینکه این کار موجب ایجاد رعب و وحشت مردم شده بود، ادامه داد: مأموران انتظامی شیراز سعی در آرام کردن متهم داشتند که وی بدون توجه به دستور پلیس قصد حمله به مأموران و سپس متواری شدن داشت بنابراین مأموران با رعایت قانون به کارگیری سلاح پای وی را هدف قرار داده و او را دستگیر کردند. با حضور مأموران یگان‌های ویژه پلیس گروگان بدون هیچ آسیبی آزاد و متهم دستگیر شد. وی تصریح کرد: متهم بلافاصله توسط اورژانس به بیمارستان اعزام شد و تحقیقات برای یافتن انگیزه وی از این کار ادامه دارد.

یک کشته در انفجار

خط لوله اکسیژن عسلویه

گروه حوادث/ ترکیدگی خط لوله اکسیژن شرکت دماوند انرژی در عسلویه یک کشته و دو مصدوم داشت.

به‌گزارش خبرنگاری صدا و سیما مرکز بوشهر، ساعت ۹:۲۰ دقیقه صبح چهارشنبه خط لوله‌ای که قرار بود اکسیژن را از پتروشیمی دماوند انرژی عسلویه (واقع در فاز دوم پتروشیمی‌های منطقه) به مجتمع پتروشیمی انتخاب منتقل کند هنگام جوشکاری دچار ترکیدگی و انفجار شد.

عبدالنبی یوسفی فرماندار عسلویه گفت: بر اثر این حادثه یک نفر جان باخت و دو نفر دچار سوختگی شدند؛ علت اصلی حادثه در دست بررسی است. به‌گفته شاهدان، این انفجار صدای مهیبی داشت و دود ناشی از آن هم تا مدت‌ها

در آسمان مشخص بود. مرتضی باشی، مدیر روابط عمومی مبین انرژی خلیج فارس نیز در این باره گفت: در ساعت ۹:۲۰ دقیقه صبح چهارشنبه لوله اکسیژن فاز دوم شرکت‌های پتروشیمی منطقه عسلویه متعلق به شرکت دماوند انرژی عسلویه روی لاین ارتباطی فاز یک و دو دچار ترکیدگی شد. این حادثه ارتباطی به شرکت مبین انرژی نداشته و در محدوده فاز دوم شرکت‌های پتروشیمی منطقه به وقوع پیوسته است.